

سبک مطالعه



واگویه‌های مهجوریت کتاب در عصر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی

اینستاگرام برای کتابخوان کتاب نمی‌شود

■ نگین خلج سرشکی

کتابفروشی آقای فرهنگ سرر کوچه مادر بزرگم قرار دارد. یک کتابفروشی کوچک که از قدیمی ترین چاپ‌ها تا جدیدترین کتاب‌ها در آن پیدا می‌شود. آقای فرهنگ همیشه چند صدتلی چوبی کوچک بیرون کتابفروشی قرار می‌دهد تا اگر مشتری از کتابی خوشش آمد ابتدا چند برگی از آن را بخواند و بعد

■ احساسات پخش شده روی برگ‌های کتاب

مگر می‌شود لذت بو کردن برگ‌های کتاب نو را با چیز دیگری عوض کرد؟ مگر می‌شود حال و هوای راه رفتن بین قفسه‌های کتابفروشی را با خریدن آنلاین کتاب‌های الکترونیکی عوض کرد؟ سرخوشی و سر مستی حاصل از خواندن کتاب‌های قدیمی که بوی کاه می‌دهند و کوجه‌باغ‌های سهراب سپهری و داستان گویی‌های ویکتور هوگو را نمی‌توان در هیچ کتاب برقی و دکمه‌ای پیدا کرد. کتابی که لمس نشود چگونه می‌تواند وارد خون و پوست و استخوان شود. احساسات نویسنده روی برگ‌های کتاب پخش شده است و باید زیر پوست دست خواننده حس شود. نویسنده حجم وجود افکار خود را روی کتاب می‌گذارد و اگر وزن افکار او احساس نشود که دیگر چیزی از کتاب و نویسنده‌اش باقی نمی‌ماند. در واقع این روزها هیچ چیز از کتاب باقی نمانده است. کتاب که چه عرض کنم حتی دیگر کسی روزنامه هم نمی‌خواند. همه بر حسب جمع گرایی به خواندن اخبار در تلگرام و شبکه‌های اجتماعی عادت کرده‌اند.

■ یار مهربان، همراه مهربان ندارد

آن یار مهربانی که در دبستان شعر آن را می‌خواندیم و برای مادانا و خوش‌زبان بود، این روزها تنها شده است. یاران و همراهان مهربان لدکی دارد، بی‌زیان است اما از مابسیار زیان می‌بیند. کتاب یکی از آن رفیق‌هایی است که بی‌منت محبت می‌کنند اما مناسفانه نوجوانان، جوانان و حتی بزرگسالان به او بی‌توجه شده‌اند. البته گران شدن کتاب و رقم‌های عجیب و غریب برای کتاب‌ها هم دلیلی برای بی‌علاقه‌تر شدن آدم‌هاست اما همیشه می‌توان راه پیدا کرد.

■ این کتاب جان دارد و دلش می‌سوزد

این روزها هزاران هر زن‌به بی‌فایده صرف هزاران کار

بی‌فایده‌تر می‌کنیم؛ پس چندان هم دشوار نیست که هر روز اندک پولی را برای خرید کتاب پایان هر ماه پس‌انداز کنیم. اما خریدن خوراکی‌های مضر، گوشی‌های موبایل به روز، لوازم آرایشی و زیبایی، خریدن هزاران قرص و مکمل هورمونی ورزشی و خریدن کفش‌های رنگ و وارنگ برای ما آسان‌تر است. این روزها آدم به هر چیزی که او را ضعیف کند تمایلی بی‌حد و سرز دارد. جالب است بچه‌های مدرسه‌ای فکر می‌کنند بعد از پایان سال تحصیلی باید کتاب خود را ورق ورق کنند تا انتقام سختی‌های درس خواندن را گرفته باشند. یکی نیست بگوید بچه‌جان! این کتاب جان دارد و دلش می‌سوزد!

■ زیراندازی برای اینستاگرامی

نوجوانان عادت کرده‌اند هر جا خواستند روی زمین بنشینند و زیرانداز نداشتند کتاب خود را زیرانداز کنند و روی آن بنشینند. برخی عادت کرده‌اند از کتاب به عنوان وسیله‌ای برای عکس گرفتن‌های اینستاگرامی و فخر فروختن به مطالعه استفاده کنند. در صورتی که حتی نوشستن نام آن را از روی کتاب هم بلد نیستند و تمام این بدعادی‌ها به والدینی برمی‌گردد که از ورق‌های کتاب و روزنامه برای پاک کردن شیشه استفاده می‌کنند. آنقدر

حرمّت کتاب را پایین آورده‌ایم که حتی به نگهداری از آن هم علاقه‌ای نداریم چه برسد به خواندن و مطالعه کردنش.

■ از خواب غفلت بیدار شویم

کاش کتاب زبان باز می‌کرد و هر چه دلش می‌خواست به ما می‌گفت، آنقدر ما را تحقیر می‌کرد و از چهل ما می‌گفت تا به خود می‌آمدیم. ما در چهل خود تا کجا می‌خواهیم پیشروی کنیم؟ چرا هر روز به ندانستن خود اصرار داریم و پافشاری می‌کنیم؟ اگر به ما بگویند فلان داروی لاغری مفید است هر جور که باشد آن

را تهیه می‌کنیم و اصلاً برای ما مهم نیست از چه ترکیبات شیمیایی برای ساخت آن استفاده شده است اما اگر بگویند در فلان کتاب درسیاره ورزش‌ها و به روز، لوازم آرایشی و زیبایی، خریدن هزاران قرص و مکمل هورمونی ورزشی و خریدن کفش‌های رنگ و وارنگ برای ما آسان‌تر است. این روزها آدم به هر چیزی که او را ضعیف کند تمایلی بی‌حد و سرز دارد. جالب است بچه‌های مدرسه‌ای فکر می‌کنند بعد از پایان سال تحصیلی باید کتاب خود را ورق ورق کنند تا انتقام سختی‌های درس خواندن را گرفته باشند. یکی نیست بگوید بچه‌جان! این کتاب جان دارد و دلش می‌سوزد!

■ یخچال‌های پر و کتابخانه‌های خالی

این روزها آدم‌ها فقط می‌خورند و زیاد هم می‌خورند. یخچال‌های آنها سنگین و پر بارتر از قفسه‌های کتابخانه آنهاست، البته اگر کتابخانه‌ای در خانه داشته باشند. فقط به فکر بدن خود هستند اما شده تا به حال به فکر اندام مغز خود باشند و جیر جیر لولای مفاصل مغزی برایشان مهم باشند؟ خیر نشده است. شده تا به حال ساختن کتابخانه‌ای زیبا در یک گوشه دنج خانه و خریدن کتاب‌های خوب دغدغه فکری آنها باشد؟ خیر نشده است. همین است که وزن کتابخانه از یخچال خانه آنها سبک‌تر است.

■ دهان گلخانه فکر است

سهراب سپهری در یکی از شعرهای خود گفته است که دهان گلخانه فکر است. این جمله یعنی مغز گلستان باید باشد و گلخانه تا دهن‌ها بوی تازگی و زندگی بدهد. این جمله یعنی هر چیز که از دهان بیرون می‌آید حاصل فکر است. مطالعه و کتاب‌خوانی بهترین راه برای پرورش گل و گیاه مغزی است. چه بهتر که تا می‌توانیم کتاب بخوانیم و آتش زبان خود را گلستان کنیم.

در نتیجه هر نیازی پیش‌نیازی دارد. نیاز بشر به کتاب

نوجوانان عادت کرده اند هر جا

خواستند روی زمین بنشینند و زیر انداز نداشتند کتاب خود را زیر انداز کنند و روی آن بنشینند. برخی عادت کرده اند از کتاب به عنوان وسیله ای برای عکس گرفتن های اینستاگرامی و فخر فروختن به مطالعه استفاده کنند و تمام این بد عادی ها به والدینی بر می گردد که از ورق های کتاب و روزنامه برای پاک کردن شیشه استفاده می‌کنند. آنقدر حرمت کتاب را پایین آورده ایم که حتی به نگهداری از آن هم علاقه ای نداریم چه برسد به خواندن و مطالعه کردنش

از کلی دقت کتاب را خریداری کند. کتابفروشی آقای فرهنگ همیشه بوی کاغذهای کاهی و گل رنگس می‌دهد. اما این روزها کتابفروشی او بسیار ساکت و کم رفت و آمد شده است. این روزها خیلی‌ها کتاب نمی‌خوانند یا تر جیح می‌دهند از کتاب الکترونیکی استفاده کنند. نمی‌دانم خواندن کتاب الکترونیکی چه حسی دارد. آیا حس و حال خواندن کتاب کاغذی را دارد.

یک نیاز همیشگی است. عجیب است که در هر م نیازهای انسانی، کتاب در طبقه اول یعنی در کنار نیازهای حیاتی مانند آب و هوا و غذا و خوراک و پوشاک نیست. انسان اگر این نیاز اساسی خود را ندید بگیرد چنان ضرری می‌کند که نگو و نپرس. همان ضرری که امروزه همه ما آن را در رفتار و کلام یکدیگر مشاهده می‌کنیم. کاش یک روز دسترسی به کتاب و علاقه به کتاب خوانی برای همه در انسان‌ها ایجاد شود. برخی با تمام علاقه امکان خرید کتاب ندارند و برخی با وجود امکانات اما علاقه‌ای به مطالعه آن ندارند.

■ خوب کتاب بخوانیم، کتاب خوب بخوانیم نمی‌دانیم چقدر کتاب خواندن زندگی ما را متحول می‌کند. نمی‌دانیم تشنگی و بی‌قراری ما از ندانستن ماست و کتاب آرام‌مان می‌کند. کتاب راه فرار خوبی برای گریختن از شلوغی و خستگی‌های روزانه است. کتاب جان‌پناه و سرپناه امنی در زمان بهمان مشکلات است. کتاب مغز را باز می‌کند، راه‌حل پیدا می‌کند، عبادت است. عبادتی که به پیشگاه خودت می‌روی و خود را زیارت می‌کنی. کتاب راه رسیدن است. راهی برای خودشناسی و خدانشناسی. اگر بتوانی به خودت برسی، خودت را بسزگ بدانی، خود را محترم شماری و خودت را کامل کنی قطعاً به خداخواهی رسید. آرام خواهی گرفت. بی‌قراری هیچ قرار کاذبی نخواهی بود. آنجاست که متوجه می‌شوی چقدر عزیز و والا هستی. کتاب همه این خدمات را برای تو انجام می‌دهد و در ازای آنها از تو چیزی نمی‌خواهد. مسئله این است که باید کتاب خوب خواند و کتاب را خوب خواند. باید دقت کرد در چه سنی چه کتابی و در چه زمینه‌ای چه کتابی مناسب است.

به صفحه‌های نوری، آسیب به بینایی، سوءاستفاده کردن شرکت‌های تبلیغاتی اینترنتی، خطر اشعه و پرتوهای ساطع شده از موبایل و... اشاره کرد. خیره شدن طولانی مدت به صفحه گوشی موبایل برای خواندن مطالب طولانی باعث سردردهایی خاص و همچنین چشم‌درد و در صورت استفاده هر روزه و بلندمدت باعث آسیب جدی به چشم‌ها خواهد شد.

تبلیغ‌های مکرر شرکت‌های تبلیغاتی اینترنتی در صفحات مختلف باعث کلافگی و آزار شما و همچنین زبان‌های مالی‌تان می‌شود. ناگفته نماند که با وجود این اشعه‌های سرطانی که از گوشی‌ها ساطع می‌شود باید برای حفظ سلامتی استفاده از آن را به حداقل رساند. در ضمن اگر ناچار به مطالعه با تلفن همراه اینترنتی شدید حتماً برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی فاصله ۱۵ سانتی‌متری آن را با قلبتان رعایت کنید.

البته از فواید آن هم می‌توان به تبدیل کتب قطور و سنگین به یک فایل همراه، جابه‌جایی و حمل آسان، دسترسی همیشگی و در همه جا، صرفه‌جویی در کاغذ و کمک به قطع کمتر درختان و... اشاره کرد. با این وجود همه ما می‌دانیم لذتی که در دست گرفتن کتاب با بوی کاغذش و ورق زدن آن هست را هرگز نمی‌توان جای دیگری یافت. لذتی که در تهیه روزنامه و مطالعه آن همراه با فنجانی چای هست، در هیچ صفحه گوشی موبایلی نیست.



کتاب و کتابخوانی و فرهنگ مطالعه همواره یکی از مهم ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری بوده و هست. ایشان که انسی مثال زدنی با کتاب و مطالعه دارند همیشه به کتاب به عنوان کالایی ارزشی توجه جدی داشته و در مناسبات مختلف بیاناتی ارزشمند در زمینه فرهنگ کتابخوانی و مطالعه ابرار فرموده‌اند. گزیده‌ای از بیانات ارزشمند ایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

۱) کتاب مقوله بسیار مهمی است. البته من به کارهای هنری و تصویری تلویزیون، سینما یا از این قبیل چیزها خیلی اعتقاد دارم اما کتاب نقش مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیزی پر نمی‌کند. کتاب را باید ترویج کرد. مردم باید به کتابخوانی عادت کنند و کتاب وارد زندگی بشود. چندی پیش من دیدم که همین تلویزیون با بعضی از جوانان مصاحبه کرده بود و پرسیده بود که: آقا شما کتاب می‌خوانید؟ پاسخ داده بودند که: نه، اصلاً کتاب را جزو ضروریات زندگی نمی‌دانند.

۲) کتاب خوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه و لازم است. آن مردمی که اهل کتاب خواندن باشند، از لحاظ معلومات انس نداشته باشند، تفاوت می‌کنند. خوشبختانه کتاب و اتوبوس مطالعه کر کم این باید یک سیره و سنت رایجی بین مردم ما بشود که کتاب را بخوانند و به بچه‌هایشان یاد بدهند. خانم‌ها در خانه‌ها کتاب بخوانند و معلومات را فرابگیرند.

سبک بر نامه ریزی

«غذای روح» سهمی در سید خانوارمان ندارد

زخم بی‌سوادی

فقط با مرهم کتاب درمان می‌شود

ندارد. با ناگاهی دوران دیشماره تر به موضوع، بی‌شک این امر منجر به عقب‌ماندگی مادر برای جوامع دیگر شده و قطعاً تأثیر بسیار ناخوشایندی در جامعه می‌گذارد و تا جایی پیش می‌رود که کم‌کم باید شاهد بی‌سوادی کل افراد جامعه باشیم و این امر را با تمام وجود احساس کنیم.

این زخم بی‌سوادی بر تن جامعه‌مان، اغلب از نوعی غرور و حس همه‌فادانی کاذب نشئت می‌گیرد و چرا که اکثر ما آدم‌های ماشینی امروزی فکر می‌کنیم در همه چیز و در تمام حوزه‌ها کارشناس و صاحب‌نظر بوده و انگار هیچ سؤالی نیست که برامان بی جواب باقی بماند. در تنهایی‌مان به دور خود دیواری بزرگ برای عدم برخورد با کلمات و پس‌انداز شخصی اختصاص دهید و هنوز آنقدر برای شما پول باقی مانده که یک جلد کتاب بخرد، شما این امکان را داریم اما دوست نداریم مثل چشم‌پادامی‌ها خوره کتاب باشیم و رفیق شفیق نگاهیمان گذرا به آنها نیستیم.

از جمله مضلات، آسیب‌ها و تبعاتی که در پی کاهش آمار کتابخوانی در جامعه به وجود می‌آید، کاهش انگیزه نویسندگان و مؤلفان برای انتشار یا ترجمه برخی کتب است. این مسئله حلاهمیت به نوبه خود بر آمار فروش کتاب نویسنده اثرگذار بوده و علاوه بر کاهش میزان فروش، به ضرر نویسنده و مؤلف نیز تمام می‌شود. در نهایت هم بدر یأس و ناامیدی از نوشتن و فروش کتاب را در دل او می‌کارد. بدون تردید می‌توان این مضلات را با کمک بر نامه‌ریزی و صرفه‌جویی در خرید برخی اقلام کم‌اهمیت و غیر ضروری در زندگی حل کرده و جایگزین آن حداقل ماهی یک کتاب جدید را خریداری نمود.

جلان کلام اینکه فراموش نکنیم کتاب، هدیه و غذایی مفید و مناسب برای ذهن، قدرت تفکر و عقلانیت و همچنین ابزاری سودمند جهت گشودن در پیچه‌های دانش و ارتقای آگاهی به منظور هموار شدن مسیر زندگی و ایجاد جامعه‌ای با افرادی سالم و برخوردار از رشد صحیح فکری است هموار شدن مسیر زندگی و حل مسائلی که بایستی توجهی و همچنین عدم آگاهی، تبدیل به غولی هولناک در بطن زندگی‌مان شده، قطعاً با خواندن کتاب مناسب به آسانی بر ایمان تحقق خواهد یافت. پس برای نعمت مطالعه و به ویژه کالای ارزنده‌ای همچون کتاب، این هدایای ارزشمند، ارزش و احترام قائل باشیم، همانطور که نخبگان، پیشینیان، بزرگان، فرهیختگان و فرز انگلمان برای آن حرمت و احترام قائل بوده و هستند.

نگاه



اهمیت کتابخوانی از منظر مقام معظم رهبری

جای کتاب را هیچ چیز پر نمی‌کند

می‌شود، کتاب‌های خوب و مفیدی است؛ نه‌ای بسا کتابی چاپ می‌شود و به بازار هم می‌آید، اما کتاب مفیدی نیست؛ یک کتاب بی‌فایده و عاطل و باطلی است و کسی از آن استفاده‌ای نخواهد کرد. و ای بسا کتابی که چاپ می‌شود و به بازار هم می‌آید، مضر است؛ نه اینکه فایده ندارد؛ بلکه ضرر هم دارد! الان ما در بازار کتاب کشور، چنین کتاب‌هایی را داریم و این‌ها در دسترس مردم هم هستند! معارفی که در کتاب‌ها هست، مردم ما از آن‌ها بی‌نیاز نیستند؛ باید این کتاب‌ها را بخوانند. انس با کتاب، چیز بسیار باارزشی است و من خواهش می‌کنم که همه با کتاب انس پیدا کنند.

۳) افرادی که کار روزانه دارند اداری، کاسب، روستایی، کشاورز و امثال اینها اگر مثلاً شب یا بین روز به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را ولو نیم ساعت برای کتاب خواندن بگذرانند، چقدر کتاب‌ها را در همین نیم‌ساعت‌ها می‌شود خواند. بنده خودم دور‌های بیست و چند جلدی کتاب‌ها را در همین فاصله‌های ۱۰ دقیقه، ۲۰ دقیقه، یک ربع ساعت، خوانده‌ام! شاید من از صدها جلد کتاب همینطور در این فاصله‌های کوتاه استفاده کرده باشم. بسیاری را هم می‌شناسم که اینطور هستند. من یک دوره کتاب هشت جلدی را در اتوبوس مطالعه کردم! این باید یک سیره و سنت رایجی بین مردم ما بشود که کتاب را بخوانند و به بچه‌هایشان یاد بدهند. خانم‌ها در خانه‌ها کتاب بخوانند و معلومات را فرابگیرند.



اکثر ما فکر می‌کنیم در همه چیز و در تمام حوزه‌ها کارشناس و صاحب‌نظر هستیم و انگار نیست هیچ سؤالی که بر ایمان بی جواب باقی بماند. به دور خود دیواری برای عدم برخورد با کلمات و کتاب‌ها در دست می‌کنیم و به خواندن برای بالا بردن سطح آگاهی‌مان توجهی نمی‌کنیم